



## A Qualitative Study of College Girls' Experiences of Homesickness With Emphasis on Dormitory Lifestyle

Ali Boudaghi <sup>1\*</sup>, Akram Sameh Nasayeh<sup>2</sup>

1. Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

2. MA in sociology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 2024/11/02

Received in revised form: 2024/11/18

Accepted: 2024/12/03

Published: 2024/12/21

### Abstract

The aim of present investigation is to study experiences of girl students in the field and their strategies to cope with the problem. In the present study, the qualitative method and phenomenological approach have been used. The participants of this study were non-native students living in the dormitory of Tabriz University. The sampling method was theoretical sampling that in terms of maximum diversity strategy with non-native students living in dormitories of Tabriz universities in-depth interviews. The data of the present study were collected using the interview technique. Findings: The interview was coded in three stages: open, axial and selective. In the present study, researcher self-review and member control techniques were used to validate the interview findings. Findings of present study indicated that the core category of adaptation with homesickness is achieving higher educations. It was also observed that according to experience of student life, personality traits, responsibility taking, independency, gaining experience, providing living costs, financial support, accordance with time and higher facilities of living environment, have the most influence in adaptability and compatibility of students with sense of homesickness.

**Keywords:** Qualitative Method, Phenomenological Approach, Adaptability with Sense of Homesickness, Dormitory Lifestyle

**Cite as:** Boudaghi, A., Sameh Nasayeh, A. (2025). Awareness level of Citizenship Rights and Its Impact on Environmental Health Style (Case Study: Tabriz Citizens). *Sociology of lifestyle*. 9 (4): 1-17.

**Owner and Publisher:** University of Tabriz

**ISSN (online):** 2645-5641

**Access Type:** Open Access

**DOI:** [10.22034/sls.2024.19338](https://doi.org/10.22034/sls.2024.19338)

## مطالعه‌ی کیفی تجارب دختران دانشگاهی از احساس غربت با تاکید بر سبک زندگی خوابگاه

علی بوداقي<sup>۱</sup>؛ اکرم سامع نصايح<sup>۲</sup>

۱. استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی تجربه‌ی زیسته‌ی دانشجویان دختر از احساس غربت و نحوه‌ی سازگاری آنان با این احساس می‌باشد. در پژوهش حاضر از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است. مشارکت کنندگان این پژوهش دانشجویان غیر بومی ساکن خوابگاه دانشگاه تبریز بوده است. روش نمونه‌گیری، از نوع نمونه‌نظری بوده که با لحاظ استراتژی حداکثر تنوع با دانشجویان غیربومی ساکن خوابگاه دانشگاه تبریز مصاحبه‌ی عمیق انجام شده است. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک مصاحبه‌گردآوری شد. یافته‌های مصاحبه در سه مرحله باز، محوری و گزینشی کدگذاری گردید. در تحقیق حاضر جهت اعتباریابی یافته‌های مصاحبه از تکنیک‌های خودبازبینی محقق و کنترل اعضا استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که عامل هسته‌ای در سازگاری با احساس غربت، دستیابی به تحصیلات عالی می‌باشد. همچنین بر اساس تجربه‌ی زیسته‌ی دانشجویان، خصوصیات شخصیتی، احساس مسئولیت، کسب تجربه و استقلال عمل، نقش هم‌اتاقی‌ها، تجانس فرهنگی، تأمین شدن هزینه‌های زندگی و حمایت مالی، گذر زمان و امکانات بالای محیط زندگی بیشترین نقش را در انطباق و سازگاری دانشجویان با احساس غربت ایفا می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** روش کیفی، رویکرد پدیدارشناسی، سازگاری با غربت، سبک زندگی خوابگاهی.

**نحوه ارجاع:** بوداقي، علی؛ صامع نصايح، اکرم. "مطالعه‌ی کیفی تجارب دختران دانشگاهی از احساس غربت با تاکید بر سبک زندگی خوابگاهی".

جامعه‌شناسی و سبک زندگی. ۱۴۰۳: ۱۰(۲۳): ۱-۱۷.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۵۶۴۱-۲۶۴۵

نوع دسترسی: آزاد

DOI: [10.22034/sls.2024.19338](https://doi.org/10.22034/sls.2024.19338)

## بیان مسئله

بر اساس اطلاعات حاصل از اطلس ملی آموزش کشور حدود ۵ درصد از جمعیت کشور دانشجوی هستند. در دوران دانشجویی، زندگی خوابگاهی یک دوره ی گذار است. دورانی که با توجه به شرایط خاص خود می تواند نقش مهمی در سبک زندگی دانشجویان داشته باشد. دوری از خانواده، سکونت در شهر ناآشنا، نبود امکانات رفاهی مناسب زندگی با فرهنگ های مختلف و.. از جمله شرایط زندگی خوابگاهی در دوران دانشجویی است که احساس غربت را در بین آنان تشدید می کند(ماهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷۶). به طور کلی می توان اذعان نمود که ورود به دانشگاه به همان اندازه که برای فرد فرصت‌های جدید به همراه می‌آورد، وی را با چالش‌ها و عوامل تنش‌زا نیز روبه‌راه می‌کند پذیرفتن نقش‌های جدید، تقاضاهای تحصیلی، مشکلات مالی، کاهش اعتماد به نفس، نقص در مهارت‌های مطالعه، کم جرات بودن در هنگام تعاملات اجتماعی، اضطراب و تنش‌زای نمونه‌ای از این مشکلات می‌باشند. در این میان دانشجویان خوابگاهی و دور از خانواده علاوه بر چالش‌های فوق با چالش‌ها و فشارهایی مانند احساس غربت و تنهایی و نظایر آن مواجه هستند (جنآبادی و سابقی، ۱۳۹۲). به طور کلی ورود به دانشگاه برای هر دانش‌آموز تا حدی اضطراب‌آور است؛ چرا که لازمی ورود به دانشگاه این است که افراد از مکان، روابط و هویت قبلی خود بگذرد تا رابطه خود را در محیط جدید مشخص نماید(دوون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸: ۱). حدود ۶۰-۷۰ درصد دانشجویانی که از محل اقامت خود به دانشگاه حرکت کرده‌اند، احساس غربت زیادی را تجربه می‌کنند(کارین و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۰۹). احساس غربت یک حالت اضطرابی است که مشخصه آن با مشکلات سازگاری و اشتیاق شدید برای خانه و تاملات در مورد خانه پس از ترک آن تعریف می شود (وان والیت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱: ۱۴-۱۵). احساس غربت اغلب به عنوان یک نتیجه منفی احتمالی از انتقال مکان بررسی شده است (اسکوپلیتی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰: ۳۳۵). همچنین احساس غربت به عنوان پریشانی و اختلال عملکرد ناشی از جدایی واقعی یا پیش‌بینی، از خانه و دلبستگی به موضوعاتی مانند پدر و مادر تعریف شده است (توربر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷: ۱۹۲). مفهوم یاد شده یک منبع قابل توجهی از اضطراب و اختلال برای افراد جوان می‌باشد (توربر، ۲۰۰۷: ۱۹۳). فیشر<sup>۷</sup> و هود(۱۹۸۷) در این راستا ناتا و همکاران معتقدند که احساس غربت یک حالت عاطفی، انگیزی و شناختی است که شامل حزن و اندوه و اشتغال فکری نسبت به خانه است (ناتا و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۰: ۳۹۲). این دو پیش‌بینی کرده‌اند که بین ۵۰ تا ۸۰ درصد جمعیت عمومی حداقل یک بار در زندگی شان احساس غربت را تجربه خواهند کرد و از بین آن‌ها، ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش معنی‌داری را در توانایی انجام فعالیت‌های روزمره ملاحظه خواهند کرد (بن<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۸۱۴). بر اساس گزارش انجمن سلامتی دانشجویان در آمریکا، هفته‌ی اول ورود به دانشگاه زمان بسیار بحرانی برای فرآیند سازگاری دانشجویان است. احساس غربت می‌تواند به کمبود روابط اطمینان بخش و احساس تنهایی منجر شود و زمینه ساز بروز اضطراب، افسردگی، مصرف مواد، الکل و حتی خودکشی باشد (مباشری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۱). نشانه‌های شناختی و رفتاری احساس غربت به احتمال زیاد منجر به مشکلات عاطفی مانند بد خلقی، عدم امنیت، تنهایی، عصبانیت، عدم کنترل و افسردگی می‌شود (هاک پلای<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸: ۳-۴). در این ارتباط نتایج پژوهش توبر و والتون<sup>۱۱</sup>، نشان می‌دهد که احساس غربت شدید در دانشجویان دانشگاه‌های بین‌المللی مسئله‌ساز است. این مسئله می‌تواند اختلالات اضطرابی را تشدید نماید و سلامت روانی و جسمی آنان را تهدید و گاهی منجر به ترک تحصیل می‌شود (توبر و والتون، ۲۰۱۲: ۱). از منظری دیگر احساس غربت با مسائل سلامت روانی فعلی و آینده افراد مرتبط است (ناتا و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۹۲). میلیون‌ها دانشجو که سالانه خانه خود را به مقصد دانشگاه ترک می‌کنند، به ویژه ممکن است در معرض دل‌تنگی باشند. با این وجود، کار کمی در مورد بررسی سازگاری با غربت در طول زمان انجام شده است (انگلیش و همکاران، ۲۰۱۷: ۱).

<sup>3</sup> Duven

<sup>4</sup> Van Vliet

<sup>5</sup> Scopelliti

<sup>6</sup> Thurber

<sup>7</sup> Fisher and hood

<sup>8</sup> Nauta et al

<sup>9</sup> Benn

<sup>10</sup> Hack Polay

<sup>11</sup> Thurber and walton

تحقیقاتی که درباره احساس غربت در ایران انجام شده نشان می‌دهد درصد ابتلا به این پدیده در یک نمونه ایرانی نیز همانند نمونه‌های مطالعات غیر ایرانی بالاست (اژه‌ای، ۱۳۸۷، دموری، ۱۳۹۰، الهام اسبقی، ۱۳۹۲). وال تینبرگ و همکاران (۱۹۹۹) در مطالعاتشان خاطر نشان کرده‌اند که شناخت کمی از ماهیت احساس غربت وجود دارد. هنوز شناخته نشده که چرا بعضی‌ها می‌توانند با احساس غربت سازگاری یابند و بعضی دیگر نمی‌توانند. شناخت این که روش‌های مؤثر نحوه‌ی سازگاری دانشجویان با احساس غربت خیلی مهم است، به دلیل اینکه احساس غربت بیشتر با اختلالات روانی مرتبط است که ممکن است به موفقیت آکادمیک ضعیف منجر شود. این در حالی است که سازگاری موفق دانشجویان با احساس غربت ممکن است به دانشجویان کمک می‌کند تا به سطح قبلی عملکردهای فیزیولوژیکی خود برسند (وال تیلبرگ و همکاران، ۱۹۹۹: ۵۳۲). بنابراین، با وجود اهمیت بالای مفهوم احساس غربت در سلامت روان و موفقیت آکادمیک دانشجویان. نحوه‌ی سازگاری دانشجویان با این پدیده با رویکرد پدیدارشناسی بررسی نشده است؛ لذا به منظور جبران ضعف تحقیقات کمی پیشین پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد پدیدارشناسی به دنبال بررسی معنای مکتون احساس غربت و نحوه‌ی سازگاری با این احساس را در تجربه‌ی ذهنی و زیسته‌ی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه می‌باشد. در راستای موارد یاد شده کوشش مقاله‌ی حاضر معطوف یافتن پاسخ به این پرسش اساسی است که اولاً دانشجویان دختر از مفهوم احساس غربت چه برداشتی دارند؟ و ثانیاً این‌ها چگونه با احساس غربت کنار می‌آیند؟

## ادبیات پژوهش

در ارتباط با سبک زندگی تعاریف بسیاری وجود دارد. سازمان بهداشت جهانی سبک زندگی را الگوهای مشخص و قابل قبول رفتار می‌داند که از تعامل بین ویژگی‌های شخصی، روابط اجتماعی، شرایط محیطی و موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی حاصل می‌شود (نوروزی و پت رامی، ۱۳۹۵: ۲۲۸). از دیدگاه بوردیو، عادتواره و سرمایه‌های فرد در میدان‌های مختلف درون فضای اجتماعی، الگوی مصرف و سبک زندگی خاصی را برای فرد و گروه به وجود می‌آورند که کارکرد آن هویت بخشی و تمایز اجتماعی می‌باشد (بایگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰). به فراخور موضوع تحقیق با ورود دانشجویان به میدان علم اگر کنشگران اجتماعی احساس نمایند که بین عادت‌واره‌ی خانوادگی و عادتواره‌ی دانشگاهی فاصله وجود دارد در این شرایط احساس احساس غربت خواهد گردد.

احساس غربت به واکنش شبیه به افسردگی در موقع ترک کردن محیط خانواده و اشتغال ذهنی قوی درباره محیط زندگی قبلی همچنین علاقه‌ی، زیاد به بازگشت به محیط زندگی قبلی تعریف شده است. احساس غربت در پیوند با جدایی، اضطراب و از دست دادن، وقفه در شیوه زندگی، کاهش کنترل، تغییر نقش و تضاد درونی تعریف شده است (وان تیلبرگ، ۱۹۹۶: ۸۹۹). لیندر در مطالعاتشان مطرح کرده که حساسیت بیماران به احساس غربت، وابسته به تجربیات آنان است، در حالی که در زمان مشابه این بیماران قارد نبودند با احساس غربت کنار بیایند. وی فرض کرده است که این وضعیت تحت تاثیر توسعه‌ی شخصیت و عامل‌های اصلی تشکل دهنده‌ی احساس غربت می‌باشد. تعدادی از نویسندگان دیگر نیز در یافتند که بین احساس غربت و ویژگی‌های شخصیتی آسیب‌پذیر رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد (ورسچور<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۳: ۷۵۹). مطالعاتی که بر روابط بین احساس غربت و شخصیت تأکید دارند به مدل آسیب‌پذیری وابسته هستند. کیلین، واندربلیچ و شاک<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۳) در مدل شخصیت آسیب‌پذیر خود معتقدند که شخصیت عامل ریسک برای توسعه‌ی احساس غربت در نظر گرفته می‌شود (ورسچور و همکاران، ۲۰۰۳: ۷۵۹). دلایل متعددی برای احساس غربت ذکر شده است؛ مانند بدبینی، ترس از طرد شدن، عدم تلاش، نداشتن جاذبه‌ی جسمانی، ترس از دیگران و نداشتن موقعیت‌های مناسب برای ارتباط با دیگران. در زمینه‌ی شیوه‌های کنار آمدن با احساس غربت راه‌هایی مانند ارتباط عاطفی با دیگری، پیوستن به فعالیت‌های گروهی مانند عضویت در باشگاه‌ها، ورزش کردن و به مهمانی رفتن بیان شده است (دموری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰). در رابطه با احساس غربت، نظریه‌ی استرس شناختی مطرح

<sup>12</sup> Verschuur

<sup>13</sup> Klein, Wonderlich, and Shea

می‌کند که عوامل پیشایند (موقعیتی و فردی) به واسطه‌ی عوامل میانجی شناختی به پیامدهای آنی و بلندمدت منجر می‌شوند. بر این اساس، ترک خانه به بر هم خوردن تعادل میان منابع فردی و مطالبات موقعیت جدید منجر می‌شود. سپس فرد به ارزیابی این عدم تعادل (مشکل در سازش) می‌پردازد و در صورت تلقی تهدید به مقابله دست می‌زند و اگر مقابله موفقیت‌آمیز صورت نگیرد، پیامدهای آن همان علائم احساس غربت است و در صورت ادامه یافتن احساس غربت، آثار بلند مدت آن یعنی افسردگی و اضطراب شکل می‌گیرد (پوراآقا رودبرده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸). در این راستا، مدل فشار شغلی که توسط فیشر توسعه یافته است؛ بر این نکته تاکید دارد که وقتی نیازهای موقعیتی ادراک شده توسط محیط جدید بالاتر باشد و کنترل شخصی پایین باشد، فشار اتفاق می‌افتد (بن و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۸۱۴).

یکی از عوامل مؤثر در سازگاری با احساس غربت، حمایت اجتماعی می‌باشد. از اواسط دهه‌ی ۷۰ علاقه‌ی فزاینده‌ای نسبت به مطالعه‌ی نقش حمایت اجتماعی به عنوان یک منبع مقابله‌ای بیرونی به چشم می‌خورد، حمایت اجتماعی یک شبکه‌ی اجتماعی است که برای افراد منابع روان‌شناختی و محسوسی را فراهم می‌کند تا بتوانند با شرایط استرس‌زای زندگی و مشکلات روزانه کنار بیایند (جنا آبادی و سابقی، ۱۳۹۲: ۳۴). یکی دیگر از عوامل مؤثر بر سازگاری دانشجویان با احساس غربت اختلاف فاز کمتر بین فرهنگ خاستگاهی و فرهنگ محیط جدید است. در قاموس بوردیو، عادتواره<sup>۱۴</sup>، به مجموعه‌ای از قابلیت‌ها اطلاق می‌شود که فرد در طول حیات خود آن‌ها را درونی کرده و در حقیقت تبدیل به طبیعت ثانویه‌ای برای خویش می‌کند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۰). عادتواره نسبت به تغییر اجتماعی حساس است. هنگامی که میان شرایط تولید عادتواره و شرایطی که باید در آن‌ها عمل کند، ناسازگاری بوجود آید؛ تغییر اجتماعی رخ می‌دهد (بون ویتز، ۱۳۹۱: ۱۰۴). بنابراین هرچه عادتواره خانوادگی فرد با عادتواره دانشگاهی اشا همگرا باشد؛ سازگاری با احساس غربت بیشتر خواهد بود. گستره‌ی شبکه‌ی دوستی نیز از دیگر عوامل مؤثر بر سازگاری دانشجویان با احساس غربت می‌شود. در تئوری شبکه‌ی اجتماعی روابط و پیوند های بین افراد و کمیت و کیفیت این روابط (اندازه، تراکم، فراوانی و شیوه‌ی تماس، چندگانگی، تجانس و ..) و حمایت‌هایی که در این پیوند ها بین کنش‌گران رد و بدل می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است (باستانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۱). بنابراین، شبکه‌ی های ارتباطات اجتماعی می‌تواند مشوق سازگاری بیشتر دانشجویان با احساس غربت دانشجویان باشد. طبق دیدگاه توماس و ولتهوس چهار متغیر شناختی احساس مؤثر بودن، احساس داشتن حق انتخاب، احساس شایستگی و احساس مؤثر بودن تعیین‌کننده‌ی توانمند سازی است (حسن پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۴-۱۶۵).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر سازگاری دانشجویان با احساس غربت توانمند سازی به طور اعم و احساس مؤثر بودن و استقلال به طور اخص می‌باشد. توانمندسازی فرآیندی است که افراد جامعه از راه آن، از نیازها و خواسته‌های خود آگاه شده، نوعی اعتماد به نفس و خود اتکایی را برای بر طرف کردن آن نیازها بدست می‌آورند (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲). لذا افراد توانمند با ویژگی‌هایی چون خودکارآمدی، با احساس استقلال و احساس مؤثر بودن از سازگاری بیشتری در مواجهه با احساس غربت برخوردارند.

## پیشینه‌ی تجربی پژوهش

- ارتباط احساس غربت و حمایت اجتماعی ادراک شده با سلامت روان دانشجویان تازه وارد عنوان پژوهشی است که توسط پورا آقا رودبرده و همکاران (۱۳۸۹)، به روش پیمایشی در بین ۱۲۰ دانشجوی غیر بومی مقطع کارشناسی دانشگاه گیلان انجام شده است. نتایج نشان داده که بین حمایت اجتماعی و سلامت روان رابطه‌ی منفی و معنی وجود دارد و بین احساس غربت و سلامت روان رابطه‌ی مثبت و معنا دار وجود دارد (پورا آقا رودبرده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷)
- نتایج تحقیق اسبقی حاکی از آن بوده است که دانشجویان با سبک مقابله‌ای مسئله مدار در مقایسه با دانشجویانی که سبک مقابله‌ای هیجان مدار داشتند، احساس غربت کمتری را تجربه کردند و نیز اضطراب اجتماعی با احساس غربت رابطه مثبت معنادار داشت (اسبقی، ۱۳۹۲: ۵۴).

- دموری (۱۳۹۰) نیز در مطالعات خود خاطر نشان کرده که بین اعتقادات مذهبی و ابعاد مختلف احساس غربت شامل، دلتنگی برای خانواده، میل برگشت به موطن، سازگاری، احساس تنهایی و دلتنگی برای افراد و محیط آشنا رابطه معناداری وجود دارد (دموری، ۱۳۹۰: ۳۶-۲۵)
- لندا و همکاران<sup>۱۵</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان تنظیم روحیه و کیفیت رابطه پیش بینی کننده تغییر در احساس غربت در دوران حضور در دانشگاه به این نتایج دست یافتند که استراتژی‌های اجتناب‌گرا در کوتاه مدت مفید است اما اجتناب مزمین در کل دوره‌ی دانشگاهی سطح بالاتری از احساس غربت را پیش بینی می‌کند. در کل دوره حضور در دانشگاه روابط نزدیک تر در خانه سطح بالاتری از غربت و روابط نزدیک تر در کالج احساس غربت کمتر را را پیش بینی می‌کند.
- تحلیل شبکه‌های دوستی، روابط اجتماعی، احساس غربت و سطوح رضایت دانشجویان بین‌المللی عنوان تحقیقی است که توسط هندریکسون و همکاران انجام گرفته است. نتایج نشان داده که دانشجویان بین‌المللی با داشتن میزان بالاتری از افراد از کشور میزان در شبکه‌هایشان ادعا کرده اند که بیشتر رضایت دارند و کمتر احساس غربت می‌نمایند (هندریکسون و همکاران<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۱: ۲۸۱).
- نتایج تحقیق سلطانی شال و همکاران (۲۰۱۱) نشان داده است که خودآثربخشی و سبک دلبستگی نقش مهمی در احساس غربت دارد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، آموزش مدل کار کردن درونی امن و خود اثربخشی می‌تواند نقش مهمی در پیش‌گیری از احساس غربت داشته باشد (سلطانی شال و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۳۸).
- بررسی‌های و همکاران (۱۹۹۹) در حوزه‌ی تعیین‌کننده‌های احساس غربت حاکی از آن است که یافتن دوستان جدید نقش مهمی در بهبود احساس غربت دارد. وی استدلال کرده که دوستان جدید فرایند سازگاری را تشویق می‌کنند (وان تیلبرگ و همکاران، ۱۹۹۹: ۵۳۱).
- در تحقیقی که توگنولی<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۳)، در مورد احساس غربت انجام داده است، با تجزیه و تحلیل پدیدارشناختی مصاحبه‌های انجام شده با دانشجویان سال اول نشان داد که شرکت‌کنندگان که والدین آنها در فاصله دورتری زندگی می‌کردند بیشتر از کسانی که والدینشان در فاصله نزدیک تر زندگی می‌کردند دچار احساس دلتنگی بودند. دانشجویان دلتنگ نمرات کمتری در اعتماد به نفس، هویت خود و منبع کنترل درونی کسب کردند (توگنولی، ۲۰۰۳: ۳۵).
- فیشر<sup>۱۸</sup> و فن فلیت<sup>۱۹</sup> اظهار می‌دارند که در مجموع ۷۰ درصد افراد حداقل یکبار در عمر خویش احساس غربت را تجربه کرده‌اند. بین ۳۰ الی ۶۰ درصد دختران و پسران دانشجوی انگلیسی در طول سال اول در دانشگاه دچار احساس غربت می‌شوند (اژه‌ای، ۱۳۸۷ و الهام اسبقی، ۱۳۹۲: ۵۵).

## روش‌شناسی

در این پژوهش به فراخور موضوع از رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است چراکه کیفی بودن و چندبعدی بودن مفهوم احساس غربت با روش‌های سخت کمی تن به ساده‌سازی نمی‌دهد. پدیدارشناسی یک روش سیستماتیک و ذهنی که به توصیف تجارب زندگی و درک معانی آن به اجرا در می‌آید. محقق فنومنولوژیست معتقد است که در پدیده‌ها و تجربیات زندگی جوهره‌هایی وجود دارند که قابل فهم و بررسی هستند و از این رو به بررسی پدیده‌های ذهنی می‌پردازند که جوهره اصلی واقعیت در آن نهفته است (احمدی فراز و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۷). در این تحقیق، موارد یا به عبارتی نمونه‌ها، مطابق با اصل نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. بر این اساس، از میان دانشجویان غیربومی که در دانشگاه تبریز مشغول تحصیل و ساکن در

<sup>15</sup> Landa et al

<sup>16</sup> Hendrickson and etal

<sup>17</sup> Tognoli

<sup>18</sup> Fisher

<sup>19</sup> van Vliet



خوابگاه‌های دولتی و خصوصی بودند، دانشجویانی با تنوع سن، قومیت، ترم و رشته‌ی تحصیلی برای رسیدن به داده‌های غنی و کسب بیشترین اطلاعات انتخاب شدند. هدف از استفاده از این نوع نمونه‌گیری در این تحقیق کسب بیشترین اطلاعات در مورد پدیده غربت بود. با توجه به این موضوع تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها با ۱۲ نفر از دانشجویان غیربومی ساکن در خوابگاه دانشگاه تبریز مصاحبه عمیق صورت گرفت. در واقع، زمانی که در مصاحبه با دانشجویان دیگر داده جدیدی به دست نیامد و تنها داده‌های به دست آمده تأیید می‌شد، نمونه‌گیری پایان یافت.

روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق بود. در طول مصاحبه تلاش گردید مشارکت کنندگان تجربیات خود را در مورد پدیده‌ی احساس غربت به طور کامل توضیح بدهند. این نوع مصاحبه بدلیل انعطاف پذیر و عمیق بودن مناسب پژوهش‌های کیفی است (احمدی فراز و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۹). مصاحبه‌ها با تعیین وقت قبلی و با جلب رضایت آنان انجام شد. فرآیند مصاحبه با کسب اجازه قبلی ضبط شد. در این مطالعه، بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌های ضبط شده، مواردی مطرح شده بود که نیاز به توضیح بیشتر شرکت‌کننده برای درک موضوع بود که مصاحبه دومی نیز صورت گرفت. همه توضیحات و توصیفات مشارکت‌کننده که در طی مصاحبه‌ها ضبط شده بود بر روی کاغذ پیاده شد. در مصاحبه‌ها، داده‌های بدست آمده کدگذاری شدند. در پژوهش حاضر، جهت تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از هر سه شیوه‌ی کدگذاری باز، محوری و گزینشی به کار گرفته شد. کدگذاری باز روند تحلیلی است که از طریق آن به مفاهیم مشخص و ویژگی و ابعاد آنها در داده‌ها پی می‌بریم (لی، ۲۰۰۱). در این مرحله، عبارات یا جملاتی که به طور مستقیم به پدیده غربت و یا انطباق با احساس غربت بود، از مصاحبه‌ها استخراج گردید. پس از کدگذاری باز، داده‌ها مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفت و با کدگذاری محوری طبقات از یکدیگر تفکیک شدند. در این مرحله با برقراری ارتباط میان مقوله‌ها، اطلاعات به شیوه‌های جدیدی با یکدیگر پیوند می‌یابند. این کار با استفاده از یک پارادایم صورت می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۹۷). در این مرحله طبقات به دست آمده در مرحله قبل، با توجه به مفاهیم اصلی مطرح شده در عبارات و جملات دسته‌بندی شدند و مفاهیم و محورهای اصلی داده‌ها به دست آمد. در آخرین مرحله از کدگذاری که به کدگذاری انتخابی معروف است، پژوهشگر با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله قبل به استحکام بیشتر فرایند کدگذاری می‌پردازد و با تأکید بر بخش‌هایی که در تدوین تئوری می‌توانند نقش مهم‌تری ایفاء کنند به تسهیل مراحل بعدی کمک می‌کند. آخرین وظیفه پژوهشگر در این است که آنچه او از این تصویر می‌بیند را برای سایر افراد به تصویر بکشد (منصوریان، ۱۳۸۵). در مرحله کدگذاری گزینشی، مقولات و مفاهیم برای ساختن و شکل دادن به گزاره‌های مفهومی در ارتباط با سازش و انطباق با احساس غربت مورد گزینش قرار گرفتند و مفهوم اصلی (هسته مرکزی) که همه این مفاهیم در ارتباط با آن طرح شدند و نقش مهمی در احساس غربت دانشجویان غیربومی داشت مشخص شد. در نهایت با آشکار شدن ارتباط میان مقوله‌های استخراج شده و گزاره‌ها، خط داستانی مطالعه پدیدار شد. در پژوهش حاضر برای بررسی اعتبار مصاحبه‌ها از تکنیک‌های خودبازبینی محقق و کنترل اعضا استفاده گردید و به منظور بررسی پایایی مصاحبه‌ها از رویه‌ی ویژه‌ی کدگذاری استفاده گردید.

## یافته‌ها

مفاهیم کدگذاری شده حاصل از مصاحبه‌ها پیرامون احساس غربت دانشجویان در ۸ مقوله‌ی اصلی قرار گرفتند. در واقع یافته‌های تحقیق نشان داد که مقوله‌های یاد شده از نظر دانشجویان غیربومی دختر ساکن در خوابگاه مهم‌ترین دلایل سازگاری و انطباق آنان با احساس غربت می‌باشند. در این لحظه از پژوهش با توجه به رویکردهای نظری و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، مقولات فوق‌الذکر با استناد به نقل قول‌های دانشجویان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

## احساس استقلال

طبق دیدگاه ولتهوس احساس استقلال به عنوان یکی ابعاد مهم توانمندسازی می باشد. مفهوم یاد شده به معنی آزادی عمل و استقلال فرد در تعیین فعالیت های لازم برای انجام دادن وظایف شغلی است (خانعلیزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵). شواهد نشان داد که یکی از مفاهیم مهم و اساسی در سازگاری دانشجویان با احساس غربت، مستقل شدن و احساس آزادی بود. به طوری که زندگی در شهر دیگر به دور از خانواده باعث می شود تا فرد احساس استقلال نماید و با توجه به این نکته که در کارها و تصمیم گیری های خود از حمایت خانواده برخوردار نیست و در انجام امور روزمره و حل مشکلات متکی به خود می باشد احساس آزادی عمل و استقلال نماید.

ندا می گوید: «من فرزند کوچک خانواده بودم و در خانه هیچ کاری انجام نمی دادم، اما از وقتی که به خوابگاه آمده ام، مجبور هستم کارهایم را خودم انجام بدهم. ولی بعد از مدتی یاد گرفتم چطور غذا درست کنم و آشپزی کنم. از طرفی چون همه کارها را باید خودم انجام دهم، از آشپزی کردن تا خرید کردن و ...، یا وقتی مشکلی پیش می آید، باید خودم آن را حل کنم و برای هر کاری خودم تصمیم بگیرم، این بهترین حالت زندگی در خوابگاه است و باعث مسئولیت پذیری می شود». پریسا می گوید: «اوایل که به خوابگاه آمده بودم نمی دانستم چکار کنم، تنهایی از عهده کارهایم بر نمی آمدم، ولی الان احساس می کنم بزرگتر شدم و تنهایی زندگی کردن رو یاد گرفتم و به کسی وابسته نیستم».

از طرف دیگر با توجه به محدودیتی که در برخی شهرهای کوچک و روستاهای کشورمان برای دختران وجود دارد، تعدادی از دانشجویانی که از چنین محیطی برای ادامه تحصیل به دانشگاه آمده اند، و با توجه به این نکته که در بسیاری از موارد از محدودیت های موجود در خانواده و یا محیط خود رها شده اند، از آزادی و استقلال عملی که پیدا کرده احساس رضایت می کنند.

زینب یکی از دانشجویانی است که می گوید: «در شهرمان خانواده ام محدودیت زیادی برایم ایجاد می کردند، حتی اجازه رفت و آمد با دوستانم را نمی دادند. اما از وقتی در خوابگاه ساکن شده ام، خیلی راحت هستم و به هر کجا که بخواهم می توانم بروم و هر کاری که تمایل دارم انجام دهم».

می توان گفت از نظر دانشجویان زندگی در شهر دیگر و دوری از خانواده بدان جهت که زمینه ساز استقلال فردی می باشد، در سازگاری با شرایط جدید عامل مهمی است. سارا می گوید: «من سال اول به خاطر جذابیتی که زندگی کردن به طور مستقل بودن برایم داشت، از قبولی در دانشگاه خیلی خوشحال بودم».

## احساس مسئولیت

مسئولیت پذیری که از مهارت های اجتماعی مهم در زندگی فرد است، مورد توجه اندیشمندان بوده است. مسئولیت پذیری یعنی پاسخگو بودن در برابر کسی یا چیزی است (سفری و چشمه: ۱۳۹۰: ۱۰۵). در این راستا، مونچ (۱۹۸۸) خاطر نشان کرده است که شخصیت پیشرفته شخصیتی است که دارای تعهد تعمیم یافته نسبت به همه باشد (سفری و چشمه: ۱۳۹۰: ۱۰۹). هنگامی که فرد در کنار خانواده زندگی می کند، بسیاری از کارهایش را فرد دیگری انجام می دهد. دانشجویان غیر بومی با پذیرش در دانشگاه، از محیطی که سال ها در آن زندگی می کردند جدا شده و شرایط جدیدی را تجربه می کنند. این دانشجویان با ورود به خوابگاه در محیطی قرار می گیرند که در آن افرادی با فرهنگ، زبان، شخصیت و رشته های تحصیلی متفاوت در کنار یکدیگر قرار می گیرند. علاوه بر این موارد، مسائلی که در خوابگاه وجود دارد فعالیت هایی همچون خرید، آشپزی، شستشوی وسایل و لباس، نظافت و مرتب کردن محل زندگی و مواردی از این قبیل. اما همه اینها نیازمند مسئولیت پذیری است. بسیاری از این کارهایی که این دانشجویان غیربومی باید انجام دهند تا قبل از آن به عهده شان نبوده است.



ستاره می‌گوید: «قبل از آمدن به خوابگاه، اصلاً کاری انجام نمی‌دادم، اما در خوابگاه خیلی از کارها را باید خودم انجام دهم. یک نوع تقسیم‌بندی هم برای کارهای مشترکمان داریم و هرکدام مسئول کاری هستیم (شستن ظرفها، جارو کردن اتاق و ...) و همین باعث می‌شود تا در قبال وظایف احساس مسئولیت کنی».

از طرف دیگر، تفاوت شرایط محیط خانه و خوابگاه باعث بوجود آمدن و تقویت حس مسئولیت‌پذیری می‌شود. از نظر دانشجویان همین تفاوت شرایط محیطی، باعث برنامه‌ریزی و مدیریت کارهای روزمره می‌شود و شرایط مساعدی برای ورود به جامعه و محیط کاری و قبول مسئولیت‌های بزرگتر در زندگی فراهم می‌کند.

یکی از این دانشجویان عقیده دارد: «قبول شدن در شهر دیگر و زندگی خوابگاهی باعث پختگی و مسئولیت‌پذیری می‌شود و در آینده و بعد از ازدواج بهتر می‌تواند مسئولیت‌هایش را بر عهده بگیرد و از پس مشکلاتش برباید.» لیلا نیز می‌گوید: «فشار این مسئولیت‌ها باعث می‌شود تا صبر و حوصله بیشتری در حل مشکلات داشته باشم و این موضوع می‌تواند در آینده در محیط کار و قبول مسئولیت‌های بزرگتر بسیار مؤثر واقع شود».

## نقش هم‌اتاقی‌ها

درنتا<sup>۲۱</sup> و همکاران (۲۰۰۶) و ویلز<sup>۲۲</sup> معتقدند که در تئوری حمایت اجتماعی خود، حمایت اجتماعی شامل حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی می‌داند وی معتقد است حمایت اجتماعی به معنی در دسترس داشتن فردی برای تکیه کردن و اعتماد داشتن به وی به هنگام نیاز می‌باشد (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹-۸۸). که تسهیل‌گر سازگاری بیشتر دانشجویان و رشد شخصیتی آنان می‌باشد. با توجه به تجربیات و توصیفات مشارکت‌کنندگان در این تحقیق اختلاف یا صمیمیت با هم‌اتاقی از عوامل مؤثر در تشدید یا کاهش احساس غربت می‌باشد.

زینب دانشجوی ترم اولی می‌گوید: «برای من برقراری ارتباط با آدم‌هایی که هیچ شناختی از آنها نداشتیم و هم‌اتاق شده بودم خیلی سخت بود. اما حالا به هم‌اتاقی‌هایم احساس راحتی می‌کنم و دوستان خوبی هستیم و به آنها عادت کرده‌ام.»

دانشجویانی که با هم‌اتاقی‌هایشان صمیمی‌ترند احساس غربت کمتری می‌کنند و در مواردی اختلاف با هم‌اتاقی‌ها نه تنها سبب تشدید احساس غربت بلکه مشکلات روحی و عدم تحمل خوابگاه می‌شود. به نظر ندا اگر اخلاقت با هم‌اتاقی‌هایت جور نباشد روزها خیلی سخت می‌گذرد و تحمل خوابگاه سخت است.

او می‌گوید: «یک دوست خوب می‌تواند غم‌تنهایی را به شادی تبدیل کند، اگر اخلاقت با هم‌اتاقی‌هایت جور باشد کمتر احساس دلتنگی و غربت می‌کنی». سمیه که دانشجوی سال سوم است می‌گوید: «چون هم‌اتاقی‌هایم را خودم انتخاب نکرده‌ام، وقتی با هم مشکل پیدا می‌کنیم، خیلی ناراحت می‌شوم.»

## تجانس فرهنگی

بورديو در تبیین نظریه کنش‌خاطر نشان کرده که شکاف بین فرهنگ خاستگاهی و فرهنگ محیط جدید به کردارهای کم‌سازگار یا ناسازگار عاملان منجر می‌شود (بون ویتز، ۱۳۹۱: ۱۰۴). تجانس فرهنگی یعنی همجنس و همانند بودن فرهنگ دو فرد یا گروه. با توجه به تفاوت فرهنگی و تنوع فرهنگی موجود در کشورمان، این مسئله، اغلب در بدو ورود دانشجویان خصوصاً برای دانشجویانی از روستا و شهرهای کوچک برای تحصیل به شهرهای بزرگتر می‌آیند. مشکلاتی را ایجاد می‌نماید. البته هر چه قدر تجانس فرهنگی بین موطن و شهر جدید باشد احساس غربت کاهش می‌یابد. در این میان هم‌زبانی و قومیت و نزدیکی موطن دانشجوی به شهر دانشگاهی در کاهش احساس غربت مؤثر می‌باشد.

<sup>21</sup> Deranta

<sup>22</sup> Wales

یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید: «فرهنگ مردم اینجا با فرهنگ شهر ما متفاوت است، به همین دلیل زندگی کردن در اینجا برایم خیلی سخت است.» زینب می‌گوید: «من دو سال دوره کاردانی را در شهر دیگری دانشجوی بودم، فرهنگ مردم آن شهر با فرهنگ شهر زادگاهم خیلی فرق داشت، اما الان من در این شهر خیلی راحت هستم.»

همچنین با توجه به این نکته که هر فضا و مکان در زمان‌های مختلف به خود فرهنگ‌های خاص خود را به دنبال دارد، انطباق با شرایط جدید برای هر یک از دانشجویانی که از مکان‌های مختلف با فرهنگ و هنجارهای متفاوت در یک اتاق ساکن می‌شوند، می‌تواند دشوار باشد. نمود این مساله در رفتار میان هم‌اتاقی‌ها نیز آشکار می‌باشد. مینا می‌گوید: «افراد این شهر با من تفاوت دارند، مثل من نیستند، رفتارشان، حرف زدنشان و ... با من فرق دارد، برای همین زیاد بیرون نمی‌روم.»

## تأمین هزینه‌های زندگی و مدیریت مالی

برای دانشجویان غیربومی تأمین هزینه‌های زندگی و مدیریت مالی اهمیت ویژه‌ای دارد و دانشجو باید بتواند توازنی بین دخل و خرج خود ایجاد کند. بسیاری از دانشجویان زمانی که کنار خانواده زندگی می‌کنند معمولاً به چگونگی تأمین هزینه‌های زندگی توجهی ندارد. اما هنگام دوری از خانواده این مسئله خود را نشان می‌دهد. این مسئله شامل تأمین مخارج زندگی روزانه شامل خورد و خوراک، شست و شو و نظافت، و مدیریت مالی و اولویت بندی کردن بین هزینه زندگی روزانه، هزینه کلاس‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف، هزینه رفت و آمد و ... است.

یکی از دانشجویان در این ارتباط می‌گوید: «انجام کارهایی مثل آشپزی و خرید کردن، به خصوص قناعت کردن، صرفه جویی و تنظیم دخل و خرج جزء مهمترین کارهایی است که باید در خوابگاه انجامش داد. تا قبل از زندگی در خوابگاه برایم مهم نبود چی می‌خرم و ارزش پولی که را که میدهم دارد یا نه؟ ولی با زندگی در خوابگاه یاد گرفتم که چطور پولم را خرج کنم.» این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دانشجو با مشکلات و محدودیت‌های مالی مواجه باشد و به دلیل شرایط خاصی نتواند از خانواده کمک بیشتری طلب کند. در واقع از مهمترین عوامل در تشدید احساس غربت، فشارهای مالی و هزینه زیاد و عدم وجود حمایت‌های مالی می‌باشد.

زینب می‌گوید: «مشکل مالی داشتن و اینکه همیشه مجبور باشم برای یک خرید کوچک هزار بار پولهایم را بشمارم و هی جمع و تفریق کنم، خیلی سخت است، اگر مشکل مالی نداشتم زندگی در خوابگاه برایم راحت تر بود. من یک هم‌اتاقی دارم که هر وقت دلش می‌گیرد به خرید می‌رود، من و دوستم هم به تماشای ویتترین مغازه‌ها می‌رویم، چون برای خرید پولی نداریم.»

## گذر زمان:

به نظر می‌رسد که بدیهی انگاشتن و گذر زمان نقش مهمی در سازگاری دانشجویان با احساس غربت دارد. به هر حال، در روزهای ابتدایی، احساس غربت و اندوه ناشی از آن بسیار زیاد است. ولی بتدریج این احساس رو به کاهش می‌گذارد. گذر زمان و عادت به شرایط جدید و انطباق و سازگاری با شرایط موجود در کاهش احساس غربت نقش دارد. بر اساس گزارش انجمن سلامتی دانشجویان در آمریکا، ۲ هفته اول ورود به دانشگاه زمان بسیار بحرانی برای فرایند سازگاری دانشجویان است (مباشری، ۱۳۹۲: ۱۶۱)

مریم می‌گوید: «دو ترم اول ماندن در خوابگاه و یک شهر دیگر برایم خیلی سخت بود، اما الان به اینجا عادت کردم و راحت با شرایط جدید کنار آمده‌ام.»

سمیه نیز که دانشجوی سال سوم است، می‌گوید: «سال اول جدایی از خانواده ام برایم خیلی سخت بود و احساس دلتنگی می‌کردم، اما بعد از گذشت چند ماه به شرایط جدید عادت کردم. البته اوایل ترم که بعد از تعطیلات تابستان به خوابگاه برمی‌گردم باز هم جدا شدن از خانواده برایم دشوار است و تا چند روزی اصلاً حوصله ندارم.»

همچنین پر کردن وقت دانشجویان باعث می‌شود تا دانشجویان کمتر احساس دلتنگی و غربت کنند.

ستاره می‌گوید: «اوقاتی که سرگرم کاری هستیم و یا باهم دیگر به گفت و گو می‌گذرانیم کمتر احساس دلتنگی می‌کنم، اما زمانهایی که بیکارم و کسی در اتاق نیست یا هر کسی مشغول انجام کارهای خودش است، بدجوری دلم می‌گیرد.»

مریم می‌گوید: «بیشتر اوقات با لب تاپم مشغولم و از اینترنت استفاده می‌کنم تا وقتی پر بشود و کمتر به خانه فکر کنم.»

## محیط زندگی

دانشجو با ورود به خوابگاه از محیطی که سال‌ها در آن زندگی کرده جدا می‌شود و در محیط جدید و متفاوتی قرار می‌گیرد. شهری که دانشجو در آن پذیرفته می‌شود و امکانات موجود در آن شهر، همچنین بالا بودن امکانات رفاهی و سرگرمی خوابگاه و دانشگاه محل تحصیل در کاهش احساس غربت دانشجویان نقش دارند. دانشجویانی که از شهرهای مختلف و خانواده‌های مختلف کنار هم قرار می‌گیرند و فرهنگ خاص خودشان را دارند، باید برای مدت طولانی کنار هم زندگی کنند و این اختلاف‌ها گاه مشکلاتی جدی در روابط شان به وجود می‌آورد و تحمل زندگی در خوابگاه را ناممکن می‌کند. امکانات زندگی در برخی از خوابگاه‌ها مساعد نیست. دانشجویها در این خوابگاه‌ها معمولاً از وسایل به شکل عمومی استفاده می‌کنند یا اصلاً امکانات ویژه‌ای در اختیار ندارند. مشکل بسیار مهمی که بیشتر دانشجویان با آن مواجه اند، مشکل فضاست. به علت کوچک بودن اتاقها، افرادی که در یک اتاق زندگی می‌کنند در بسیاری از موارد جای کافی برای قرار دادن وسایل و لوازم شخصی ندارند و از طرفی به علت محیط خاصی که در آن قرار گرفته اند، از بسیاری از امکانات به طور اشتراکی بهره می‌گیرند.

سارا می‌گوید: «چون اتاق‌های خوابگاه نسبت به تعداد دانشجویانی که در یک اتاق ساکن اند کوچک هستند، وقتی اتاق را تمیز می‌کنیم، بعد از یکی دو ساعت، دوباره شلوغ و نامرتب می‌شود.»

به جز خوابگاه‌های دولتی که در آنها روزانه (البته به جز روزهای تعطیل) غذا سرو می‌شود. در خوابگاه‌های خصوصی دانشجویان خودشان باید غذا درست کنند و وقت زیادی را صرف کنند.

یکی از دانشجویان می‌گوید: «آشپزخانه هر طبقه متعلق به ۳۰ تا ۴۰ نفر از دانشجویان است و همین سبب می‌شود آشپزخانه بیشتر اوقات کثیف باشد.»

در برخی از آنها رایانه و تلویزیون وجود ندارد و در صورت امکان استفاده از اینترنت فقط دانشجویانی که لب تاپ دارند از آن استفاده می‌کنند. برخی از خوابگاه‌ها یک کتابخانه کوچک یا اتاق مطالعه هم وجود ندارد و در برخی نیز امکانات موجود متناسب با تعداد دانشجویان نیست.

مریم می‌گوید: «بعد از عید اینجا ماندن راحت تر است. چون با دوستانم بیرون می‌رویم و می‌گردیم و خیلی کم در خوابگاه می‌مانیم. اما زمستان‌ها از ساعت ۶-۷ به بعد در خوابگاه هستیم، ولی نه تلویزیون داریم که حداقل یک سریال ببینیم و نه امکانات خاصی اینجا هست که سرگرم بشویم. بعضی اوقات حرف می‌زنیم، فال می‌گیریم تا سرگرم شویم.» سارا می‌گوید: «به نظر من زندگی در یک شهر دیگر باعث احساس غربت و دلتنگی نمی‌شود، بلکه زندگی در خوابگاه، باعث می‌شود احساس

غربت کنی.» او دانشجوی سال آخر است و امسال تازه ساکن خوابگاه شده و سالهای قبل با دوستانش خانه اجاره کرده بودند. سارا خوابگاه را به زندان تشبیه می‌کند.

علاوه بر وجود برخی مشکلات در خوابگاه، محیط شهری نیز برای دانشجویان حائز اهمیت است. راحله که در یکی از شهرهای شمال کشور زندگی می‌کند، می‌گوید: «هر وقت وارد تبریز می‌شوم، دلتنگ می‌شوم، شهری که من در آن زندگی می‌کنم سرسبز و باصفاست.» لیلا نیز یکی از دانشجویانی است که محیط شهری اینجا را دوست ندارد. او می‌گوید: «با این که تبریز امکاناتش نسبت به زادگاهم بهتر و بیشتر است، ولی من شهر سرسبز خودم را بیشتر دوست دارم.»

## خصوصیات شخصیتی

آخرین عامل مؤثر در تشدید یا کاهش احساس غربت، خصوصیات شخصیتی خود فرد و روحیات اوست. کیلین، واندربلیش و شی (۱۹۹۳) در مدل شخصیت آسیب پذیر خود تاکید کرده اند شخصیت عامل ریسک در توسعه ی احساس غربت در نظر گرفته می شود (ورسچور و همکاران، ۲۰۰۳: ۷۵۹) هر فرد در خانواده و محیطی خاص پرورش می یابد و روحیه و احساسات خاصی دارد. در این میان روحیه برخی افراد طوری است که به شرایط زود عادت کرده و با دیگران سریع ارتباط برقرار می کنند. برخی افراد منزوی، گوشه گیر و خجالتی بوده و به سختی با دیگران ارتباط برقرار می کنند و افرادی نیز هستند که روحیه حساس و زودرنجی دارند و خیلی سخت به شرایط جدید عادت می کنند. در واقع شخصیت فرد عامل مهمی در انطباق و سازگاری با شرایط موجود می باشد.

مینا می‌گوید: «من نمیتوانم به راحتی با دیگران دوست شوم یا حرف بزنم، به همین دلیل نمی‌توانم با هم اتاقی‌هایم ارتباط برقرار کنم.» سمیه می‌گوید: «من ترم اول خیلی گوشه‌گیر بودم و خیلی احساس تنهایی می‌کردم و بیشتر اوقات با مادرم تلفنی حرف می‌زدم.» یکی از دانشجویان هم می‌گوید: «من در خوابگاه با دوستانم خیلی راحت هستم و هر حرفی داشته باشم به آنها می‌گویم، اما در خونه تا این راحت نیستم. چون بعضی حرف‌ها را نمی‌توانم به تو خانواده ام بگویم.» مریم می‌گوید: «در کل ناآرامم، وقتی اینجا هستم دلم می‌خواهد به خانه بروم و وقتی به خانه میروم، دوست دارم به تبریز برگردم.» راحله نیز می‌گوید: «از وقتی به خوابگاه آمده‌ام خیلی بی‌حوصله شدم.»

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده و یافته‌های تحقیق در کدگذاری انتخابی عوامل فوق در سازگاری و انطباق دانشجویان با شرایط جدید و کاهش احساس غربت یا تشدید آن مؤثر بودند. اما هسته مرکزی که این مقوله‌ها را به هم ارتباط می‌دهد دستیابی به تحصیلات عالی می‌باشد. عامل مهم دیگری که در این تحقیق توسط دانشجویان بسیار مطرح شد، مفهوم دلتنگی برای خانواده می‌باشد. مفهومی که از آن می‌توان به عنوان عاملی مؤثر در تشدید احساس غربت و تنهایی می‌توان نام برد. برای بسیاری از دانشجویان، ورود به دانشگاه اولین تجربه جدایی از خانواده است. دانشجویی که تا دیروز پدر و مادر همه تلاششان را برای موفقیتش به کار می‌بردند. برای همین جدا شدن از خانواده به معنای از دست دادن همه این حمایت‌ها و به وجود آمدن یک تغییر اساسی در زندگی است. دانشجوی جدید، از محیطی که سال‌ها در آن زندگی کرده، از دوستانی که روزهای زیادی را در کنارشان گذرانده و از همه مهم‌تر از خانواده اش جدا می‌شود. با توجه به توصیفات دانشجویان و تجربیات زیسته‌شان، آرزوی بازگشت به خانه و دیدار با اعضای خانواده تبدیل به یک دغدغه شده است.

## خط داستان

از زمانی که به مدرسه می‌رفتم، هر کس برایم آرزویی می‌کرد، پدرم، مادرم، مادر بزرگ و پدربزرگم و... یکی می‌خواست دکتر بشوم، دیگری مهندس و یکی آرزو داشت که معلم شوم. سال آخر دبیرستان که بودم، همه ما یک آرزو داشتیم، قبولی در کنکور. رفتن به دانشگاه و ادامه تحصیل تنها رویایی بود که باعث می‌شد از تفریح، مهمانی رفتن و مسافرت دل‌کنده و برای رسیدن به آن تمام تلاشم را کرده بودم. پس از انتظار بی‌صبرانه روز موعود فرا رسید و نتایج کنکور اعلام شد. در کنکور قبول شده بودم. سر از پا نمی‌شناختم. بار سفر بسته و راهی دیار آرزوها شدم. دانشگاه برایم سرزمین رویاها بود که در آن قدم گذاشته

بودم. با ورود به خوابگاه و ساکن شدن در آن حس عجیبی داشتم. دلم برای خانه مان، پدرم، مادرم و حتی دوستانم تنگ شد. وقتی اولین بار وارد محیط ناآشنایی می شوی هزار نوع فکر و خیال به سراغت می آید، ترس از زندگی در یک محیط جدید و بین کسانی که از هر لحاظ با تو متفاوتند. اشک در چشمانم جمع شد. روی تخت نشستم و تا صبح اشک ریختم. حوصله هیچ کس و هیچ چیزی را نداشتم، دائم به یاد حرفهای دوستان و خانواده ام می افتادم که موقع انتخاب رشته، از انتخاب شهرهای دیگر منع می کردند و از مشکلات زندگی دور از خانواده برایم می گفتند. ولی من فقط به قبولی تو دانشگاه فکر می کردم و بس، تحصیلات عالی برای من رویایی بود که برای رسیدن به آن حاضر بودم از خانواده ام جدا شوم و مشکلات زندگی در شهر دیگر را به جان بخرم. اما همه چیز بوی غربت می داد. ولی هر طور بود باید به خودم و خانواده ام ثابت می کردم، من می توانم موفق شوم. اوایل ترم خیلی سخت می گذشت، انگار زمان متوقف شده بود. هر روز ساعت ها با مادرم تلفنی حرف می زدم. گوشه گیر شده بودم و احساس تنهایی می کردم. اعصابم به هم ریخته بود. رفتار هم اتفاقی هایم به نظر عجیب می آمد، هر کدام از یک شهر و دیار آمده و با هم هم اتفاقی شده بودیم. نمی توانستم به هیچ کدام شان اطمینان کنم و اصلاً نمیتوانستم چطور با آنها حرف بزنم و رفتار کنم. هر کدامشان رفتار خاصی داشتند. شهری که یک روز آرزوی زندگی کردن در آن را داشتم، برایم هیچ جذباتی نداشت. مردم اینجا با اهالی شهر ما خیلی فرق داشتند. خوابگاه برایم مثل زندان بود. نمی توانستم خوابگاه را تحمل کنم. مساحت اتاق ها کم بود و گاه آنقدر سر و صدا بود که حتی نمی توانستم درس بخوانم. خوابگاه مان امکانات خاصی هم نداشت تا بتوانیم سرگرم شویم. در خانه هیچ کاری انجام نمی دادم، ولی حالا باید همه کارها را خودم انجام می دادم. از پخت و پز و رفت و روب و شستشو تا خرید روزانه مواد غذایی. نمی دانستم چطور باید پولی را که پدر و مادرم با هزار زحمت برایم می فرستند، خرج کنم. هر ترم به جز هزینه دانشگاه، باید شهریه خوابگاه را هم می دادم. رفت و آمد به دانشگاه، حتی با اتوبوس و خرید مایحتاج روزمره در ماه برایم هزینه زیادی داشت. آنقدر غرق افکارم بودم و دغدغه و کشمکش فکری داشتم که دل به درس و دانشگاه نمی دادم. نمی دانستم چه کار کنم.

کم کم به هم اتفاقی هایم خو گرفتم. با اخلاقتان آشنا شده بودم و دیگر مثل روزهای اول رفتارشان عجیب و غریب نبود. با آنان احساس صمیمیت می کردم، در و دل می کردم. بعضی از شبهه تا دیر وقت بیدار می ماندیم و باهم می گفتیم و می خندیدیم. یاد گرفته بودم چطور آشپزی کنم و حواسم به دخل و خرجم بود تا آخر ماه کاسه چکنم چکنم دستم نگیرم. احساس غربت و تنهایی روزهای اول نداشتم. احساس آزادی می کردم. بیشتر اوقات که دلم می گرفت با دوستانم بیرون می رفتم. در خانه هیچ وقت دیر از خانه بیرون نمی رفتم. مادر و پدرم اجازه نمی دادند زیاد با دوستانم بیرون بروم. اما در اینجا دیگر خبری از محدودیتهای دوران دبیرستان نبود. الان همه این کارها را به راحتی انجام می دادم. و گه گاه با هم دانشکده ای هایم به کوه یا پارک می رفتم. زندگی به دور از خانواده و در یک شهر دیگر را یاد گرفته بودم. احساس بزرگی می کردم. هر روز به خانه مان زنگ می زدم، هر وقتی فرصتی دست می داد مثل پرنده ای که به شوق آسمان پر مکشد به سوی شهر و دیارمان می شتافتم. اما هر بار تنها بودن در طول راه کلافه ام می کرد. فکر و خیال خانواده و خانه و شهر و دیارم دغدغه روزمره ام گشته و دمساز هم بودیم. گویی فکر خانه و خانواده مثل نفس کشیدن در دیار غربت ضرورت بود. هر گاه که از درس و دانشگاه و کارهای روزمره فارغ می شدم و در جمع دوستانم نبود، گوشه گیر شده بودم و در روزهای خوش خانه سیر می کردم. هر وقت که با هم اتفاقی ام جر و بحث می کردم و یا دعوایمان می شد، دلم می گرفت و بیشتر آرزو می کرد که این روزها پایان گیرد و به خانه برگردم و آنگاه که جمع مان یکدل و یکرنگ بود، دلخوش روزهای خوش بودم. وقتی مشکلی برایم به وجود می آمد، هر گاه که بیمار می شدم، هر وقت که تا آخر ماه پس اندازم تمام می شد، آرزو می کردم که ای کاش پدرم، مادرم و یا خواهر و برادرم در کنارم بودند. از مشکلاتم چیزی به خانواده ام نمی گفتم. نمی خواستم نگران شوند، از طرفی دوست نداشتم خانواده ام گمان برند که از پس کارهایم بر نمی آیم، می خواستم مستقل باشم. از اینکه برای هر کاری خودم تصمیم می گرفتم و آزادی که برای انجام کارهایم به وجود آمده بود، حس خوبی داشتم. زندگی خوابگاهی با همه کم و کاستی ها و مشکلاتش برایم احساس غربت و تنهایی را به ارمغان آورده بود. در کنار این همه دلتنگی پخته تر، مسئولیت پذیرتر و مستقل تر شده بودم. به خاطر ارتباطی که با بچه های خوابگاه داشتم و صمیمیتی که بینمان به وجود آمده بود، با آداب و رسوم و زبان خیلی از شهرها آشنا شده بودم. در خوابگاه آموخته ام که زندگی فراز و نشیب بسیار دارد. اما باز در کنار همه اینها دلتنگ پدرم و مادرم و خانه مان نبودم. اما برای

رسیدن به هدف‌هایی که به خاطر آن به دانشگاه آمده بودم، باید صبوری می‌کردم و شاید این‌ها همه دلایلی بودند که بتوانم بر پدیده‌ی احساس غربت غلبه‌نمایم، چراکه واقعا دستاوردهای مثبت غلبه با احساس غربت بر پیامدهای احتمالا نامطلوب احساس غربت، چربش داشته است.

## بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی کیفی حاضر به منظور شناخت و توصیف تجارب دانشجویان دختر از پدیده‌ی احساس غربت و نحوه‌ی سازگاری آنان با احساس غربت مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش در هشت مقوله‌ی اصلی نقش هم‌اتاقی‌ها، خصوصیات شخصیتی، تجانس فرهنگی و شباهت ارزشهای بین‌موطن و شهر جدید و تأمین شدن هزینه‌های زندگی و حمایت مالی، گذر زمان و عادت به شرایط جدید، امکانات بالای محیط زندگی، احساس استقلال، احساس مسئولیت طبقه‌بندی شد. با توجه به یافته‌های تحقیق عامل هسته‌ای در سازگاری با احساس غربت، دستیابی به تحصیلات عالی و کسب مدرک دانشگاهی می‌باشد و عوامل صمیمیت با هم‌اتاقی‌ها، تجانس فرهنگی و شباهت ارزشهای بین‌موطن و شهر جدید و تأمین شدن هزینه‌های زندگی و حمایت مالی، گذشت زمان و عادت به شرایط جدید، امکانات بالای محیط زندگی بیشترین نقش را در انطباق و سازگاری دانشجویان با شرایط جدید و کمک به کاهش احساس غربت ایفا می‌کنند. دقت در متن مصاحبه‌ها و ماهیت مقوله‌ها نشان می‌دهد که زندگی در شهر دیگر به دور از خانواده باعث می‌شود تا فرد احساس استقلال نماید. تئوری توانمندسازی روان‌شناختی و لتهوس هم بر این نکته تأکید دارد که آزادی عمل و استقلال فرد در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام دادن وظایف شغلی و به یک معنا احساس استقلال نقش مهمی در توانمندسازی روان‌شناختی افراد دارد. محتوای این تئوری با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد و مبین نقش مهم احساس استقلال در سازگاری دانشجویان با احساس غربت می‌باشد. اکثر دانشجویان بر نقش مسئولیت‌پذیری در سازگاری با احساس غربت تأکید داشته‌اند برای نمونه ستاره می‌گوید: «قبل از آمدن به خوابگاه، اصلاً کاری انجام نمی‌دادم، اما در خوابگاه خیلی از کارها را باید خودم انجام دهم. یک نوع تقسیم‌بندی هم برای کارهای مشترکمان داریم و هرکدام مسئول کاری هستیم (شستن ظرفها، جارو کردن اتاق و ...) و همین باعث می‌شود تا در قبال وظایف احساس مسئولیت کنی. لذا احساس مسئولیت یکی از عوامل مؤثر بر سازگاری دانشجویان با احساس غربت می‌باشد. توجه به تجربیات و توصیفات مشارکت‌کنندگان در این تحقیق اختلاف یا صمیمیت با هم‌اتاقی‌ها از عوامل مؤثر در تشدید یا کاهش احساس غربت می‌باشد. دانشجویانی که با هم‌اتاقی‌هایشان صمیمی‌تراند احساس غربت کمتری می‌کنند و در مواردی اختلاف با هم‌اتاقی‌ها نه تنها سبب تشدید احساس غربت بلکه مشکلات روحی و عدم تحمل خوابگاه می‌شود. به نظر نداشت اگر اخلاقت با هم‌اتاقی‌هایت جور نباشد روزها خیلی سخت می‌گذرد و تحمل خوابگاه سخت است. یافته‌های پژوهش حاضر همخوان با بررسی‌های و همکاران (۱۹۹۹) در حوزه‌ی تعیین‌کننده‌های احساس غربت بوده است. وی استدلال کرده که دوستان جدید فرایند سازگاری با احساس غربت را تشویق می‌کنند. همچنین یافته‌ی مبنی بر نقش هم‌اتاقی‌ها در سازگاری با احساس غربت همسو با محتوای تئوری حمایت اجتماعی و شبکه‌ی ارتباطات اجتماعی بوده است. این تئوری‌ها بر اهمیت روابط و پیوند‌های بین‌افراد و کمیت و کیفیت این روابط و حمایت‌هایی که در این پیوند‌ها بین‌کنش‌گران رد و بدل می‌شود، تأکید دارند که این امر به نوبه‌ی خود می‌تواند زمینه‌ساز سازگاری بیشتر دانشجویان با احساس غربت باشد. همان‌طور که در یافته‌ها هم اشاره شد بدیهی‌انگاشتن و گذر زمان نقش مهمی در سازگاری دانشجویان با احساس غربت دارد. به هر حال، در روزهای ابتدایی، احساس غربت و اندوه ناشی از آن بسیار زیاد است. ولی بتدریج این احساس رو به کاهش می‌گذارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که محتوای تئوری عمل‌بودیو خصوصاً مفهوم دوکسا قابل‌کاربرد در این پژوهش می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تأمین هزینه‌های زندگی و مدیریت مالی در سازگاری دانشجویان با احساس غربت نقش کلیدی دارد. به این برای دانشجویان غیربومی تأمین هزینه‌های زندگی و مدیریت مالی اهمیت ویژه‌ای دارد و دانشجویان باید بتوانند توازنی بین دخل و خرج خود ایجاد کنند. اکثریت دانشجویان به نقش تجانس فرهنگی در سازگاری‌شان با احساس غربت تأکید کرده‌اند. برای نمونه مینا می‌گوید: «افراد این شهر با من تفاوت دارند، مثل من نیستند، رفتارشان، حرف‌زدنشان و ... با من فرق دارد، برای همین زیاد بیرون نمی‌روم.» این یافته با تئوری عداوره‌بودیو که معتقد است اختلاف فاز میان عادت‌واره قدیمی و شرایط جدید و به یک معنا اختلاف فاز بین فرهنگ خاستگاهی و فرهنگ محیط جدید به کردارهای کم‌سازگار یا ناسازگار عاملان منجر



می‌شود. در مورد خصوصیات شخصیتی و فردی این نکته را می‌توان ذکر کرد که با توجه به روحیات مختلف افراد، همچنین احساس وابستگی که فرد به خانواده دارد و نیز شرایط فرهنگی و اقتصادی خانواده، عوامل احساس مسئولیت، کسب تجربه و استقلال عمل بیشترین نقش را در سازگاری و انطباق با شرایط جدید ایفا می‌کنند. با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق برای تبیین داده‌های به دست آمده از نظریه هومنز و جیمز کلمن در تبیین انگیزه دانشجویان بهره گرفته شد. از نظر مشارکت کنندگان در تحقیق کسب مدرک دانشگاهی می‌تواند در تغییر موقعیت شان بسیار مؤثر واقع شود (به دست آوردن شغل، ارتقای موقعیت اجتماعی و داشتن موقعیت مناسب تر برای ازدواج). همین طور با توجه به نظر گیدنز و بوردیو می‌توان گفت رفتار کنشگران (تحصیل در شهر دیگر و احساس غربت و دل‌تنگی) تنها بر معانی ذهنی استوار نیست، بلکه تابعی از ساخت اجتماعی است. وی مفهوم سرمایه را در ارتباط با این عرصه‌های موجود در فضای اجتماعی مطرح کرده و نوع رابطه و موقعیت یک عرصه را وابسته به دسترسی هر یک از افراد به سرمایه‌هایی می‌داند که در این عرصه‌ها، مورد کشمکش است. از آن جا که طبق نظر بوردیو سرمایه از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود، می‌توان گفت دانشجویان با دستیابی به تحصیلات عالی (سرمایه فرهنگی) سعی در دست یافتن به سرمایه‌های دیگر، از جمله سرمایه نمادین و اقتصادی دارند. بنابراین یافته‌های نظری بوردیو همسو با یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد.

## منابع

- Ahmadifaraz, M., Abedi, H. A., & Azarbarzin, M. (2014). Development of clinical teaching process of the fundamentals of nursing with participatory approach: an action research. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 3(2), 175-189
- Benn, L, Harvey, J.E, Gilbert,p, Irons,C.(2005), Social rank, interpersonal trust and recall of parental rearing in relation to homesickness, *Personality and Individual Differences* 38 , 1813-1822.
- Bayeghani, B, Erandoust S, F., Ahmadi, S (2012). Lifestyle from a sociological perspective An introduction to understanding and analyzing the concept of lifestyle., *Cultural Engineering*, Year 8, No. 77, pp 57-73.
- Bon Witz, P. (2011). *Lessons from Pierre Bourdieu's Sociology*, translated by Jahangir Jahangiri and Hassanpour Safir. First Edition, Tehran, Aghah.
- Demouri, D., Zanjcherchi, M.,& Khatibi Aghda, A. (2011), Analysis of the relationship between religious beliefs and different dimensions of homesickness. *Quarterly Journal of Knowledge in Islamic University*, Year 15 (1), 25-46.
- doi: 10.1037.
- Duven,J carolyn(2018), The problem with homesickness: A new way of coming home, A dissertation submitted to the graduate faculty in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy , Iowa State University.
- Ejei, J., Dehghani, M., Ganjavi, A., Khodapanahi, M.K. (2008). Validation of Homesickness Questionnaire in Students. *Journal of Behavioral Sciences*, 2( 1). 12-1. [In Persian].
- English, Tammy, Davis, Jordan, Wei, Melissa, Gross, James(2017), Homesickness and adjustment across the first year of college: A longitudinal study, *emotion*, 17(1):1-5.
- Esbaghi, E. (2013). Study of the relationship between coping responses and social anxiety with students' feelings of homesickness", *Bi-Quarterly Journal of Social Cognition*, Second Year, No. 3: 54-63.
- Ghasemi, V., & Samim, R. (2009). A Study On The Relationship Between Social Stratification And Cultural Consumption According To The Data On The Musical Consumption In Tehran. *Iranian Journal of Sociology*, 9 (1,2), 80-101. [In Persian].
- Hack-Polay, Dieu Donne (2008), «Expatriates and Homesickness», *Centre For International Business Studie*, Paper Number 1-07, Research Papers in International Business.
- Hassanpour, A., Norozi, M. (2011). The Survey on the Role of Transformational Leadership in Employee Empowerment Tarbiat Modares University Press. *IJBQ*. 15(1):159180. [In Persian].

- Hendrickson, Blake, Rosen, Devan , Kelly Aune, R(2011), An analysis of friendship networks, social connectedness, homesickness, and satisfaction levels of international students, *International Journal of Intercultural Relations*, 35,281-295.
- Janaabadi, H.,& Sabghi, F. (2013). The relationship between social support and the feeling of homelessness of new students. *Quarterly Journal of Zabol University of Medical Sciences*, 5 (4). 41-33.
- Jenkins, Richard .(2006). Pierre Bourdieu, translated by Hassan Chavoshian, Leila Jo Afshani. Tehran, Ney Publishing.
- Kh, S., & Cheshmeh, A. (2011). Yongester accountability and it's relationship with socialization methods in family. *Education and Breeding Sociology Journal*, 1(1), 103-30.
- Khanalizadeh, R., Kordnaiej, A., Fani, A. A., & Moshabaki, A. (2010). Study of the relationship between organizational learning and empowerment. *Journal of Transformation Management*. 2 (3), 21-45.
- Landa Isidro, Bono, Timothy j, English, Tammy(2020), Mood regulation and relationship quality predict change in homesickness during college, *Brithish journal of psychology*, 11(1):55-69. [In Persian].
- Lee, J. (2001), *A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use*, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.
- Mobasheri, M., Alidosti, M., Heidari Soureshjani, S., Khosravi, F., Khalafeyan, P., & Jalilian, M. (2013). Determination of the most important factors influencing the fertility patterns of single child and without child families in Shahr-e-kord city in 2013. *scientific journal of ilam university of medical sciences*, 21(6). [In Persian].
- Agh Babak Maheri, Mohammad-Nabi Bahrami, Roya Sadeghi. The Situation of Health-Promoting Lifestyle among the Students Living in Dormitories of Tehran University of Medical Sciences, *Iran. Health Develop J*. 2012; 1 (4) :275-0[In Persian].
- Nauta, Maaik H, Aan het rot, schut, henk, stroebe, margaret(2020), Homesickness in social context: An ecological momenta assessment study among 1st-year university students, *International Journal of Psychology*, Vol. 55, No. 3, 392–397.
- Nijhof, Karin S, Engels, Rutger C.M.E(2007), Parenting styles, coping strategies, and the expression of homesickness, *journal of Adolescence* 30 , 709–720
- Nouroozi, Faizollah, and Azar Petrarni. "A survey on life style and relevant social determinants in students of the university of social welfare and rehabilitation sciences." *Social Welfare Quarterly*, 16.62 (2016): 225-277[In Persian].
- Ostani, S., Kamali, M., & Salehi, H.(2012). Network social capital and interpersonal trust. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*. 16 (61). 41-105. [In Persian].
- Pour-Agha Rodeh Bardeh, F., Kafi, M., & Rezaei, S. (2012).The Relationship between Feelings of Nostalgia and Perceived Social Support with Students' Mental Health, *Clinical Psychology and Personality*. Bi-Quarterly Journal of Shahed University, 19 (6). 27-36. [In Persian].
- Riahi, M. E., Aliverdina, A., & Pourhossein, Z. (2011). Relationship between social support and mental health. *Social Welfare Quarterly*, 10(39), 85-121. [In Persian].
- Scopelliti,Massimiliano and Tiberio,Lorenza (2010), Homesickness in University Students: The Role of Multiple Place Attachment, *Environment and Behavior*, 42(3):335-350.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2006). *Principles of Qualitative Research Methodology*, translated by Buick Mohammadi. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Sultani Shal, Reza,Aghamohammadian sharbaf, Hamidreza, Abdekhodae, Mohammad saeed, Kafi Masoleh, Seyed Mosa, Salehi, iraj(2011), Survey the relationship between attachment style and general self efficacy with homesickness among college students, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 30 , 538 – 541. [In Persian].
- Thurber, Christopher, Walton , Edward and the Council on School Health, (2007), « Preventing and Treating Homesickness», *PEDIATRICS*, Volume 59, 119 Number: 192 -201.
- Thurber, Christopher., A, Walton , Edward, A (2012), Homesickness and Adjustment in University Students, *journal of american college health* , Vol 60, NO. 5, pp 1-5.
- Tognoli, Jerome (2003), Homesickness, Place Attachment, and Transition Among Residential College Students, *Journal of College Student Psychotherapy*, Volume 18, Issue 1: 35-48.

- Van Tilburg MAL, Vingerhoets, A.J.J. M., & Van Heck , G.L. (1996) ,Homesickness: A review of the literature »,*Psychological Medicine*, Volume 26, Issue 05: 899-912.
- Van Tilburg, Miranda,A.L, Vingerhoets,ADJ.J.M.Van Hech,GUUS L(1999), Determinats of Homesickness chronicity: coping and personality, *personality and individual Differences* 27,531-539.
- van Vliet, T,(2001), Homsickness: Antecedents, consequences, and mediatinbg processes,Wageningen,The Netherland: Ponsens and Looijen.
- Verschuur, Margot J, Eurelings, Elisabeth H.M, Philip Spinhoven, Bontekoe, Duijsens, Inge J., Homesicknes(2003), temperament and character, *Personality and Individual Differences*, 35 , 757-770.